

## اولین حزب کمونیست شرق



### آوتیس میکائیلیان (سلطان زاده)

نخستین کنگره‌ی «حزب کمونیست ایران» در «بندر انزلی» و در بیست و سوم جولای (اواخر خرداد، اوایل تیرماه ۱۲۹۹ خورشیدی) بازگشایی شد. این یک روز تاریخی نه فقط برای جنبش انقلابی ایران بل که برای مابقی [کشورهای] شرق نیز می‌باشد. الارغم همه‌ی نیرنگ‌های جاسوسان انگلیسی، چهل و هشت نماینده از قسمت‌های مختلف ایران به «بندر انزلی» رسیدند. در بین نماینده‌گان، سخن‌گویان کمونیست از ایران، ترکستان و قفقاز حضور داشتند. رفتار جدی آن‌ها در رابطه با تمام مسائل مورد بحث، توافق کامل و آگاهی طبقاتی‌شان در احترام به انتخابات، ثابت نمود که آرمان آزادی کارگران ایران به دستان درست و قابل اعتمادی واگذار شده است. نماینده‌گان حاضر در کنگره، عمدتاً از دهقانان و

کارگران تشکیل یافته بودند؛ این مسأله نمی‌توانست [سبب] خودستانی اعضای طبقات تحصیل کرده شود بل که اکثریت افراد حاضر در کنگره نقش فعالی در جنبش انقلابی ایران در ده، پانزده سال اخیر داشته‌اند.

پیش‌تر، در سال ۱۹۱۴، کارگران ایران در باکو بر علیه جنگ امپریالیستی با انرژی وافر به خیابان‌ها آمدند. در سال ۱۹۱۶، یک گروه از کارگران ایرانی متمایل به بلشویسم که از «حزب سوسیال دموکرات» جدا شدند، برای مدت زمان زیادی در بین توده‌ی پرولتری باکو که اکثراً ایرانی بودند فعالیت مستقل انجام داده بودند. بعد از انقلاب فوریه، اعضاء و فعالین این گروه افزایش یافته و نفوذشان بر روی توده‌ی کارگران توسعه یافت. حزب یک کار پر انرژی را انجام داد و آن فرستادن بهترین کارگران از باکو برای اهدافی نظیر آغالشگری و سازمان‌دهی به ایران بود. تعداد زیادی از آن افراد هم اکنون در زندان‌های تهران، تبریز، قزوین، و شهرهای ایران هستند. تعداد زیادی از آن‌ها به وسیله‌ی دولت انگلیس به هند تبعید و یا به محض دست‌گیری تیرباران شدند. یکی از بهترین رهبرهای ما، «رفیق غفارزاده»، الهام‌دهنده و سازماندهی بزرگ حزب کمونیست ایران به طور خائنانه‌یی در شهر رشت کشته شد. دو ماه پیش، زمانی که لشکرهای انقلابیون، اردبیل را تسخیر نمودند، هفده نفر از رفقای فعال را از زندان آزاد کردند که بسیاری از آن‌ها بیش‌تر از یک سال در زندان بودند. حتا یک تظاهرات کارگری در باکو وجود ندارد که حزب در آن نقش فعال نداشته باشد. در بدترین روزهای [تسلط] ارتجاع، حزب کمونیست ایران بالغ بر ۶ هزار عضو داشت که در سازمان مخفی کار می‌کردند.

در حدود دو ماه پیش ما شروع به تهیه‌ی لیستی از داوطلبان برای ارتش سرخ ایران نمودیم؛ تعداد داوطلبان آن قدر زیاد بود که باعث شد که ما عضوگیری را

متوقف کنیم چرا که ما قادر نبودیم که برای تمام کسانی که در لیست داوطلبان قرار داشتند تجهیزات لازم را فراهم کنیم.

در حال حاضر، بعد از کنگره در کنار سایر چیزها، تصمیم گرفته شد که اسم قدیم «عدالت» به «حزب کمونیست ایران» تغییر نماید؛ کمیته‌ی مرکزی قطع‌نامه‌ی گذراند در اهمیت این که هر یک از اعضای کمیته‌ی مرکزی به مدت دو تا سه ماه به کار سیاسی مخفی در تمام جاهایی که انگلیس امپریالیست هم‌چنان تحت سلطه‌ی خود دارد، عازم شوند. یک هفته بعد از تصویب این قطع‌نامه، شش نفر از اعضای کمیته‌ی مرکزی کار را آغاز نمودند. در حال حاضر در سراسر ایران، یک سازمان بسیار فعال و [روند] بنای ارگان‌های حزبی در جریان است. کمیته‌های حزبی که به وسیله‌ی جاسوسان انگلیسی پراکنده و سرکوب شده بودند دوباره به طور تدریجی احیاء شدند و تماس بین مرکز و شاخه‌های محلی مجدداً برقرار شد. حزب ما با حمایت ویژه در میان نظامیان، قزاق‌ها و ژاندارم‌ها، رو به رو شد. اما در این مورد، قزاق‌ها و ژاندارم‌ها قابل مقایسه با روس‌ها نبودند. قزاق‌ها و ژاندارم‌ها در ایران عمدتاً از طبقه‌ی دهقانان بودند و بیش‌تر آنان را دهقانان بی‌زمین و گرسنه تشکیل می‌دادند؛ بنابراین آن‌ها خیلی به سرعت در مقابل فعالیت ما سر فرود آوردند. در ایران به تنهایی، بنا به محاسبات تقریبی ما در حدود ۱۰۰۰۰ عضو حزبی که در تمام کشور پخش شده بودند، داشتیم.

در کنار کار سیاسی در ایران، حزب ما فعالانه در جنبش کارگری کشورهای آذربایجان، داغستان، ترکمنستان شرکت نمودند. در این کشورها ما، در حین فعالیت در بین کارگران ایرانی دو هدف [عمده] را دنبال می‌کنیم: از طرفی در راستای وظایف حزبی مشغول آماده‌کردن کارگران فعال و از طرف دیگر در حال نام‌نویسی داوطلبان و بسیج اعضای حزب برای اهداف نظامی هستیم.

در این کشورها، سازمان ما در ارتباط کامل با حزب کمونیست روسیه کار می‌کند. حتا در آذربایجان آنها با حزب سوسیال دموکرات متحد شده‌اند. حزب کمونیست ایران، یک نقش قاطع در جنبش انقلابی ایران بازی خواهد کرد.<sup>۲۴</sup>